

## بررسی میزان مشارکت خانواده‌ها در مدارس استان خراسان رضوی و عوامل مؤثر بر آن<sup>۱</sup>

هما زنجانی زاده<sup>۲</sup>  
مجید دانائی سیج<sup>۳</sup>  
مهدی سلیمی نژاد<sup>۴</sup>

### چکیده

این نوشتار با هدف بررسی ابعاد و میزان مشارکت خانواده‌ها در مدارس استان خراسان رضوی در سال ۱۳۸۷ و عوامل مؤثر بر میزان مشارکت خانواده‌ها با روش پیمایش انجام شده است و از نوع توصیفی-تبیینی است. ابزار گرد آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته است. جامعه آماری والدین دانش آموزان استان خراسان رضوی است که با روش نمونه گیری طبقه ای ۶۰۲ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شده اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد میزان مشارکت خانواده‌ها در مدارس در حد پایین است و متغیرهای مستقل توانسته‌اند ۱۲/۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند. متغیرهای پایگاه اقتصادی والدین، اعتماد به فرزند و داشتن تصویر اجتماعی مناسب برای مشارکت با میزان مشارکت والدین رابطه مستقیم دارند. همچنین هر چه دانش آموز کمتر دوست داشته باشد والدینش در فعالیت‌های مدرسه مشارکت کنند، در عوض والدین بیش تر به مدرسه مراجعه می‌کنند؛ و هر چه والدین تجربه‌ی قبلی مثبت‌تری از مدرسه داشته باشند مشارکت آن‌ها در مدرسه کمتر شده است. در فضای کنونی مشارکت در مدرسه به عنوان فرصت پیشرفت آموزشی و پرورشی تلقی نمی‌شود و مهم‌ترین راهکار افزایش مشارکت در مدارس افزایش دانش و مهارت در زمینه مشارکت است.

### کلید واژها:

مشارکت والدین در مدرسه، پایگاه اقتصادی، خود پنداره، تجربه قبلی والدین، اعتماد به فرزند، نگرش

۱. این مقاله از طرح پژوهشی با همین عنوان که به سفارش آموزش و پرورش استان خراسان رضوی انجام شده است، اقتباس شده است.

۲. دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر شریعتی مشهد zandjani@ferdowsi.um.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشکده ادبیات و عضو جهاد دانشگاهی

۴. کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی در رشته پژوهش علوم اجتماعی

مقدمه

خانواده متولی اصلی جامعه پذیری است که با مشارکت نظام آموزش و پرورش سعی می‌کند افراد را برای بر عهده گرفتن نقش‌ها در نظام اجتماعی آماده کند. گذشته از انتقاد هایی که به نظام آموزش و پرورش وارد است، موفقیت در تعلیم و تربیت بدون مشارکت خانواده‌ها در زمینه‌های مختلف امکان پذیر نیست (موریش، ۱۳۷۳).

یکی از مشخصه‌های مدارس موفق استفاده حداکثری از مشارکت والدین است (مک گرگور<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶)؛ به همین دلیل است که در کشورهای توسعه یافته، همکاری میان خانه و مدرسه به صورتی منسجم درآمده و این دو نهاد، مسئولیت مشترک خویش، یعنی تربیت فرزندان جامعه را با همفکری، همکاری و هماهنگی انجام می‌دهند. به طور کلی سهم کردن خانواده‌ها در آموزش و پرورش موجب افزایش اطلاعات و آگاهی افراد، گسترش مشارکت در سایر زمینه‌های اجتماعی، افزایش احساس همبستگی با سایر والدین، احساس یگانگی بیشتر با سازمان، افزایش اعتماد افراد به سازمان‌ها، کاهش هزینه‌های فردی و سازمانی و افزایش اثر بخشی سازمانی خواهد شد.

مشارکت جمعی کلیه افراد در امور مدرسه نوعی گسترش دموکراسی و مردم سالاری را نیز موجب می‌گردد (داودی پور، ۱۳۸۶)؛ و هنگامی که والدین در آموزش فرزندان‌شان شرکت کنند، نگرش‌ها، رفتارها و وضعیت تحصیلی دانش آموزان تقویت می‌شود (ام دی ای<sup>۲</sup>، ۱۹۹۷؛ بهبودی، ۱۳۸۷).

اگر چه مشارکت والدین در مدارس اهمیت زیادی دارد اما مشارکت فعال خانواده‌ها در مدارس با مشکلات متعددی روبرو است. بعضی معتقدند این مشکلات به ساختارهای نظام آموزشی کشور بر می‌گردد به گونه ای که اگر ساختار مدارس به ساختار مدرسه محور یا هیئت امنایی تغییر یابد احتمال مشارکت نیز بالاتر می‌رود (سلیمی نژاد و همکاران، ۱۳۹۰؛ کاظمی کردآسیابی، ۱۳۸۳) برخی دیگر عدم آگاهی خانواده‌ها از فواید مشارکت در امر

---

1. Macgregor  
2. Michigan Department of Education

آموزش، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، اعتماد، توانایی برای کنش‌های مشارکتی، رضایت، انسجام اجتماعی و شکاف‌های اجتماعی را در کاهش مشارکت مؤثر می‌دانند. (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴؛ کرمی، ۱۳۸۲؛ کلدی، ۱۳۸۱؛ رضایی، ۱۳۸۱؛ اصغر پور، ۱۳۸۷؛ کوثری، ۱۳۷۵؛ اسمریکار و کوهن - ووگل<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱؛ چین و نیومن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲؛ میستری و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲).

در بسیاری از موارد مشارکت در مدرسه، کمک مالی خانواده‌ها (اولیا دانش آموزان) تلقی می‌شود که این مسأله باعث نگرانی‌های زیادی در بین خانواده‌ها شده است. به هر حال از هر منظر که به مسأله مشارکت مردم - و خصوصاً خانواده‌های دانش آموزان - در فعالیت‌های آموزش و پرورش پرداخته شود، سازمان آموزش و پرورش در کسب مشارکت خانواده‌ها از موفقیت چندانی برخوردار نبوده است. در این نوشتار با توجه به اهمیت مشارکت، میزان مشارکت خانواده‌ها در مدرسه و عوامل مؤثر بر آن پرداخته می‌شود.

### مرور سوابق

مشارکت از حیث لغوی به معنای درگیری و تجمع برای منظوری خاص می‌باشد و جوهر اصلی آن درگیری و فعالیت و تأثیرپذیری است (علوی تبار، ۱۳۷۹)؛ مشارکت فعالیتی است که مشروط به برابری و آزادی انسان‌ها باشد (نویمان، ۱۳۶۳، اریک فروم، ۱۳۷۰، کوهن، ۱۳۷۳، اوکلی و مارسدن، ۱۳۷۰ به نقل از آتش بهار، ۱۳۷۹). یعنی مشارکت فعالیتی است، آگاهانه، آزادانه و گسترده (کوزر، ۱۳۷۸، آتش بهار، ۱۳۷۹). مشارکت، اشخاص را برمی‌انگیزد تا در گروه خود مسئولیت بپذیرند، پس می‌توان گفت «مشارکت کنشی اجتماعی، آموختنی و ناشی از یادگیری و تربیت است» (آندریین، ۱۹۸۸) و به این ترتیب «مشارکت به عنوان یک پدیده اجتماعی عبارت است از درگیری در ارزش‌های جامعه عضو، هرگاه افراد در بطن ارزش‌ها و هنجارهای جامعه خود زندگی کنند، در واقع در حیات اجتماعی مشارکت دارند.» (توسلی،

- 
1. Smerekar & Cohen- Vogel
  2. Chin & Newman
  3. Mistry, Vandewater, Huston, & McLoyd

۱۳۸۲: ۴۰). با توجه به تعاریف مختلف خصوصیات مشارکت عبارتند از: ۱. آگاهانه بودن. یعنی دارای نیت و معنی ذهنی است. ۲. جهت‌گیری شده به سوی دیگری ۳. آزادانه بودن. یعنی این که تحمیلی نیست و داوطلبانه است. ۴. هدفمند است، به منظور کسب سود و یافتن سهمی است، یعنی این کنش باعث رشد و کسب توانایی می‌شود. ۵. گسترده است یعنی دارای کیفیت (عمق) و روابط متنوع و متعدد در یک گروه اجتماعی است. ۶. دارای نفع جمعی (سود متقابل) است و نتایج آن فقط معطوف به مشارکت‌کننده نیست بلکه دیگران را نیز به نفع می‌رساند. بنابراین:

مشارکت اجتماعی عبارتست از: کنش اجتماعی داوطلبانه‌ی معطوف به منافع متقابل و خیر جمعی.

درباره موانع و راهکارهای جلب مشارکت والدین در آموزش و پرورش نیز تحقیقات متعددی در ایران صورت گرفته است. کاظمی کردآسیابی (۱۳۸۳) به نقش مدیر مدرسه در جلب مشارکت والدین در امور مدرسه از طریق ایجاد باور و نگرش مثبت به مشارکت در والدین و عباسی (۱۳۸۵) به تغییر نگرش مردم نسبت به مشارکت اشاره دارند. متین (۱۳۸۲) به ضرورت‌های مشارکت مردم در امر مدرسه سازی پرداخته و موانع موجود بر سر راه مشارکت مردم در این امر را کمبود تبلیغات، عدم فرهنگ سازی در زمینه مشارکت و بی‌اعتمادی به مسئولین می‌داند. آهنگران (۱۳۷۶) مشارکت والدین را بر رشد انضباط، مسئولیت‌پذیری، بهداشت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر می‌داند. قاسمی پویا (۱۳۸۰) برای تقویت فرهنگ مشارکت در آموزش و پرورش سه عامل، داخل آموزش و پرورش مانند مدیران، معلمان، عناصر خارج از آموزش و پرورش مانند تبلیغات صدا و سیما و پژوهش‌ها مانند تشویق و ترغیب مشارکت کارکنان به پژوهش را مؤثر می‌داند. در تحقیق عباسی (۱۳۸۵) تغییر نگرش مردم نسبت به مشارکت، تمرکززدایی در آموزش و پرورش، استفاده از قابلیت‌های اولیا در مدارس، تقویت تشکلهای مردمی در مشارکت و خصوصی سازی در آموزش و پرورش به عنوان راه‌هایی برای افزایش مشارکت در آموزش و پرورش ذکر شده است. سپهری (۱۳۸۴) آگاهی بخشی درباره چگونگی مشارکت و انواع مشارکت مورد نظر

در آموزش و پرورش را به عنوان اساسی‌ترین راه جلب مشارکت والدین می‌داند. جهانیان (۱۳۸۹) مهم‌ترین راه‌های ایجاد و تقویت مشارکت مردم در آموزش و پرورش و در بعد آموزش و تدریس را همکاری و مشارکت در ایجاد هماهنگی بین فعالیت‌های آموزشی و پرورشی، مدرسه و خانواده، همکاری در برگزاری کلاس‌های فوق برنامه، مشارکت در جلسات شوراهای مدرسه می‌داند. در بعد کارکنان نیز همکاری و مشارکت در تقدیر از معلمان فعال، در بعد دانش آموزان مشارکت و همکاری در تهیه جوایز و مراسم‌های مختلف آموزشی و در بعد مالی و اداری همکاری و مساعدت در ارائه کمک‌های مالی و مادی به واحدهای آموزشی از دیگر پیشنهادات تحقیق مذکور می‌باشند.

در مورد مشارکت والدین در فعالیت‌های مدرسه و دانش آموزان تحقیقات متعددی نیز در سایر کشورها وجود دارد. دسلندس<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) سه مدل مفهومی مکمل درباره مشارکت والدین در مدرسه را به صورت زیر ارائه می‌دهد: الف-مدل همپوشانی فضاهای تأثیرات<sup>۲</sup> که توسط اپستن<sup>۳</sup> (۱۹۸۷) ارائه شده است. این مدل بر همکاری و مکمل بودن خانواده و مدرسه تأکید می‌کند و شامل فضاهایی می‌باشد که نماینده خانواده و مدرسه است و ممکن است به وسیله سه نیرو درهم فرو رفته یا از هم دور شوند. این نیروها عبارتند از ۱. زمان ۲. ویژگی‌ها، دانش و تجربه خانواده ۳. ویژگی‌ها، دانش و تجربه مدرسه. به عنوان نمونه زمان در دوره پیش دبستانی فضای همپوشانی شده را گسترش می‌دهد. همچنین وقتی والدین در آموزش فرزندان مشارکت می‌کنند محدوده کنش متقابل بین دو ناحیه افزایش می‌یابد. این مدل فرض می‌کند که مبادله یک مهارت، توانایی یا علاقه‌ها بین والدین و معلمان بر پایه احترام متقابل و یکی کردن اهداف عام، به یادگیری و پیشرفت بچه‌ها سود می‌رساند. بهترین پیش بینی کننده مشارکت والدین در مدرسه متغیر فعالیت‌های طراحی شده به وسیله مدرسه (برنامه‌های مشترک خانواده-مدرسه) است. به عبارت دیگر وقتی والدین در آموزش

- 
1. deslandes
  2. Overlapping spheres of influence model
  3. Epstine

فرزندانشان در خانه و مدرسه درگیر می‌شوند که درک کنند همکاری‌های آن‌ها به وسیله معلمان در مدرسه تقویت می‌شود. ب- مدل درگیری والدین<sup>۱</sup> این مدل فرایند درگیری و مشارکت والدین را از شروع تصمیم والدین به مشارکت آزمون می‌کند. بر مبنای این مدل والدین وقتی در فعالیت‌های مدرسه مشارکت می‌کنند که همکاری، بخشی از نقش آن‌ها به عنوان والدین باشد و بتوانند تأثیر مثبت بر آموزش فرزندانشان داشته باشند و بچه‌ها و مدرسه از آن‌ها درخواست مشارکت می‌کنند. این مدل فرض می‌کند که وقتی والدین یک بار تصمیم به مشارکت می‌گیرند فعالیت‌های خاصی را انتخاب می‌کنند که بر مبنای درک آن‌ها از مهارت و توانایی و دیگر خواسته‌های خودشان با توجه به زمان، انرژی و دعوت‌های خاص برای مشارکت با بچه‌ها، معلمان و مدرسه شکل گرفته است. ج- مدل تفویض اختیار و توانایی خانواده<sup>۲</sup> مدل مشارکت متقابل است و بر پایه اصولی از توانایی و اختیار بنا شده است و از روابط والدین - معلمان برای کامل کردن مهارت‌ها، به اشتراک گذاری دانش و تجربه‌ها دفاع می‌کند. تفویض اختیار، منابع و ظرفیت‌های واقعی هر فرد را درگیر می‌کند؛ در حالی که توانا سازی به توانایی شخص برای تعریف نقش خود و تعیین طبیعت همکاری خودشان اشاره می‌کند. این مدل یک رابطه والد-معلم بر پایه مبادله متقابل را توصیف می‌کند که هر گروه، از دانش و تجربه هم یاد می‌گیرند. تفسیر نقش والدین، احساس مفید بودن و دعوت برای درگیر شدن از عوامل تعیین کننده هستند. احترام و آزادی قائل شدن برای دیگران از پیش شرط‌های روان‌شناسانه برای تمام تلاش‌هایی است که مشارکت والدین را ترویج می‌کند. شناخت ارزش‌ها و تکمیل ظرفیت دیگران قلب مدل «تفویض اختیار و توانا سازی والدین» است.

در تحقیق گونزالز<sup>۳</sup> (۲۰۰۱) به لزوم آموزش خانواده برای مشارکت خانواده‌ها در مدارس اسپانیا تأکید شده است. سه هدف عمده از آموزش خانواده عبارتند از ۱. کمک کردن به

1. The model of parental involvement
2. The family enabling and empowerment model
3. gonzalez

خانواده‌ها برای همکاری کردن و گسترش ظرفیت اعضای خانواده به عنوان افراد و هم کل خانواده ۲. جلوگیری از وقوع مشکلات برای خانواده‌ها ۳. کمک به خانواده‌ها در غلبه بر مشکلات.

دنسن<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) و همکارانش در پژوهشی با عنوان «تفاوت‌های فرهنگی در آموزش: معنای ضمنی مشارکت والدین و سیاست‌های آموزشی» تفاوت مشارکت والدین در مدارس آلمان را بین سه طبقه پایین آلمانی، طبقه متوسط آلمانی و اقلیت‌های قومی آزمون کرده‌اند و نتیجه گرفته‌اند که تفاوت‌های فرهنگی می‌تواند توضیح دهد که چرا والدین طبقات پایین جامعه کمتر در فعالیت‌های مدارس مشارکت می‌کنند. آن‌ها اشاره می‌کنند که ویژگی «والدین با مشارکت کم در مدرسه» نگاه سنتی به تقسیم نقش‌ها است والدین در خانه مسئول هستند و معلمان در مدرسه. این والدین معلمان را به عنوان کارشناسان آموزش در مدرسه محسوب می‌کنند. این ایده با دیدگاه مشارکتی انجمن والدین -مدرسه سازگار نیست. دیدگاه مشارکتی برای والدین طبقه متوسط مناسب‌تر است که معلمان را به عنوان شریک در آموزش می‌بینند. مندل<sup>۲</sup> (۲۰۱۱) در یک مطالعه تطبیقی بین دانش آموزان آمریکا و لهستان دریافت که ادراک بیشتر پاسخگویان لهستانی از والدین یک «مزاحم» است اما ادراک پاسخگویان آمریکایی از والدین «حامی» است.

لیچ<sup>۳</sup> و تانگری<sup>۴</sup> (۲۰۰۱) در مطالعه خود درباره موانع مشارکت و همکاری مدرسه و خانه دریافتند که تفاوت و تغییرات بین نگرش و رفتار معلمان و والدین به عنوان مانع مهمی در مشارکت خانواده شناخته شده است. آن‌ها از یک طرف نیاز به استقلال دارند و از طرف دیگر به همکاری که باعث تداخل مسئولیت آن‌ها می‌شود. ادراک معلمان از والدین این است که آن‌ها در خانه سهل انگار هستند و برعکس والدین از نبود نظم در مدرسه صحبت می‌کنند. معلمان سیستم مدرسه و فرهنگ را پرزحمت می‌دانند؛ نبود دانش، مهارت و نگرش

---

1. Denessen

2. Mendel

3. Leitch

4. Tangri

معلمان موانع مؤثر بر مشارکت معلمان در مدرسه است. از طرفی بعضی از والدین اعتقاد دارند که مدرسه و خانواده نقش‌های ساختاری جداگانه در آموزش بچه‌ها دارند و نقش آن‌ها حمایت از بچه‌ها در بیرون از مدرسه است؛ کارهای پرمشغله والدین، نبود وقت، نگرش و تجربه منفی به عنوان موانع مؤثر بر مشارکت آن‌ها در مدرسه شناخته شده‌اند.

نور<sup>۱</sup> و وی بنگ نئو<sup>۲</sup> (۲۰۰۱) در تحقیق خود در مالزی تعهد والدین به شغل و نبود زمان، نگرش منفی والدین به مشارکت و نبود مهارت والدین را به عنوان موانع اصلی مشارکت تشخیص داده‌اند.

مرور ادبیات تجربی نشان می‌دهد که عوامل مشارکت والدین در مدرسه از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته‌اند. یکی از مهم‌ترین آن‌ها، تقسیم بندی دوگانه عوامل مربوط به خانواده و مدرسه است. طبق این تقسیم بندی عدم درک متقابل انتظارات خانواده و مدرسه از هم، از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر عدم مشارکت خانواده‌ها در مدرسه است، تا جایی که در بعضی از کشورها، معلمان مشارکت والدین در آموزش را به عنوان مزاحمت می‌بینند و والدین نیز نقشی برای خود در آموزش فرزندان‌شان قائل نیستند. پژوهش‌های دیگر بر این نکته تأکید دارند که تفاوت‌های فرهنگی والدین می‌تواند تفاوت مشارکت در آموزش را توضیح دهد.

### چارچوب نظری مشارکت

پدیده مشارکت را می‌توان در سطوح خرد، متوسط و کلان مورد بررسی قرار داد. عوامل مخل در مشارکت در ارتباط بین دو نظام خانواده و مدرسه عوامل کلی‌تری هستند ولی آنچه باعث تحقق مشارکت می‌شود، افراد دارای نقش‌های اجتماعی هستند که نماینده آن نظام اجتماعی هستند. در تمامی این مراحل فرد تحت تأثیر ساختارهای دو نظام قرار دارد و با خلاقیت فردی در تعامل حضور می‌یابد و واکنش نشان می‌دهد. مشارکت اجتماعی را

1. Nor

2. Wee beng neo



می‌توان در یک پیوستار از سطح کلان ارتباط بین دو نظام اجتماعی خانواده و مدرسه تا ارتباط بین نقش‌ها و افراد، مورد بررسی قرار داد.

رفتار و کنش آدمیان هدفمند، سنجیده و حسابگرانه است و در چند راهی‌ها، انسان‌ها راهی را انتخاب می‌کنند که با اغراض و امیالشان موافق باشد و برای رفتن به هر راهی سود و زیان آن را محاسبه می‌کنند و سپس انتخاب می‌کنند. (کلمن، ۱۳۷۷) به عبارت دیگر «آدمیان مخلوقاتی عالم و قاصدند که فعلشان مسبوق به دلیل و سنجش عاقلانه است» (لیتل، ۱۳۷۳: ۶۳). پاسخ این پرسش که چرا مردم مشارکت نمی‌کنند، شاید در پرسش دیگری نهفته باشد، آنان چه چیزی از مشارکت به دست می‌آورند؟ «مشارکت به همان اندازه به انگیزش بستگی دارد که به سطح مهارت و دانش وابسته است» (آقال و اوین، ۱۳۷۹: ۳۳).

بر مبنای قضیه موفقیت در نظریه مبادله اگر شخصی در امری مشارکت کند و پاداش دریافت کند احتمال این که به مشارکت بیشتر متمایل شود افزایش می‌یابد و یا بر مبنای قضیه ارزش اگر نتایج مشارکت نسبت به عدم مشارکت برای فرد بیشتر باشد احتمال تکرار آن بیشتر می‌شود (ریتزر، ۱۳۷۴). به نظر بلاو تعامل، برخی اوقات دچار عدم تعادل می‌شود. «بلاو می‌گوید که مردم خواهان آنند که پاداش‌های خود را به حداکثر و هزینه‌های خود را به حداقل برسانند، اما ناگزیر عدم تعادل‌ها پدید می‌آید. برخی مبادله‌ها، پاداش برابری برای دو طرف مبادله در بر ندارد، طرفی که پاداش کمتری گرفته است در واقع برای خوشایند طرف دیگر هزینه‌ای کرده است که نمی‌تواند آن را جبران کند و این یک عدم تعادل است» (ریتزر، ۱۳۷۴: ۱۰۶).

مطابق با نظریه عمل منطقی<sup>۱</sup> فیش بین و آیزن<sup>۲</sup> علت بلا فصل رفتار، نیت رفتاری است و نگرش به رفتار نیز یکی از تعیین کننده‌های نیت رفتاری است. (بوهنر و وانک، ۱۳۸۲) نگرش به مشارکت شامل ابعاد شناختی، عاطفی و آمادگی برای عمل است. شناخت و

1. Theory of reasoned action

2. Ajzen & Fishbien

آگاهی افراد نسبت به مشارکت اهمیت این عمل را افزایش و یا کاهش خواهد داد؛ و جهت گیری عاطفی نشان دهنده‌ی تمایل افراد برای مشارکت در مدرسه است.

مشارکت سیاسی و اجتماعی بر گسترش مشارکت اثر می‌گذارد. عضویت فرد در گروه‌ها و سازمان‌ها احتمال مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی را بیشتر می‌کند (علوی تبار، ۱۳۷۹). از طرفی مشارکت مردمی در جهان سوم بیش از هر چیز یک مسأله سیاسی است و ساختار قدرت سیاسی عامل اصلی تعیین کننده تقویت یا تضعیف مشارکت مردمی می‌باشد. مشارکت مردمی باید به مثابه فرآیندی قلمداد شود که زنجیره‌های متعددی در سطوح ملی، منطقه‌ای مردمی و روستایی را در بر می‌گیرد (توسلی، ۱۳۸۲: ۱۰۰) «اگر نظام سیاسی جامعه به گونه‌ای سازماندهی شود که مشارکت جویی و مسئولیت پذیری افراد جامعه در سرنوشت خودشان به رسمیت شناخته شود و مجریان امور بها دادن به نظرات مردم را با اهمیت تلقی کنند جو سیاسی- اجتماعی جامعه کل برای مسئولیت‌پذیری و مشارکت جویی مساعد می‌شود» (رحیمی، ۱۳۷۷: ۲۹).

از نظر پاتنام<sup>۱</sup> (۱۳۸۰) تفاوت چندانی بین مشارکت و سرمایه‌ی اجتماعی وجود ندارد، چون مشارکت که به شرکت مردم در شبکه‌های اجتماعی مختلف اشاره دارد تنها بیان دیگری برای سرمایه‌ی اجتماعی است. او معتقد است که انسان برای انجام دادن کاری صرفاً به این دلیل که فردی یا نهادی می‌گوید آن را انجام خواهد داد به او اعتماد نمی‌کند بلکه با شناخت خود از خلق و خو و انتخاب‌های ممکن و توانایی‌های او حدس می‌زند که فرد یا سازمان می‌تواند کار را انجام دهد. از نظر او «سرمایه اجتماعی اشاره دارد به اجزای اصلی سازمان اجتماعی مانند شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اجتماعی که هماهنگی و مشارکت را برای سود متقابل راحت‌تر می‌کند» (کان<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۶: ۳۸۹) اعتماد به مدرسه نیز به عنوان سازمانی پویا و دلسوز یکی از مواردی است که می‌تواند مشارکت را دچار نوسان کند.

1. putnam

2. Kahne

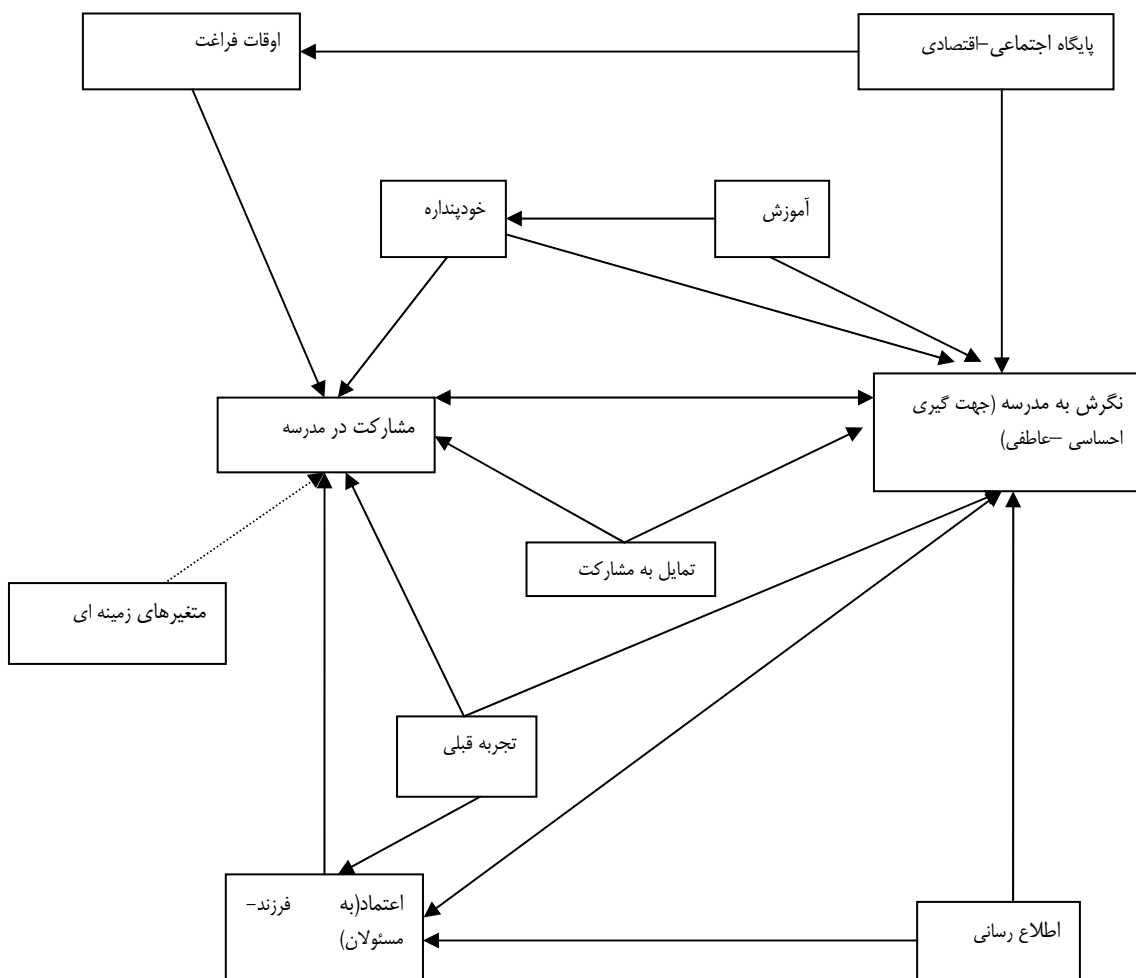
با توجه به مطالب نظری و تجربی می‌توان نتیجه گرفت که عوامل متعددی بر مشارکت والدین در مدارس تأثیر دارند. علاوه بر متغیرهای زمینه‌ای والدین مانند سن، جنس و شغل، متغیر اعتماد به فرزند و مدرسه بر مشارکت در مدرسه مؤثر است. مطابق با نظر فیش بین و آیزن تمایل به مشارکت عامل دیگری است که می‌تواند به میزان زیادی مشارکت عملی در مدرسه را توضیح دهد. مطابق با نظریه مبادله تجربه قبلی والدین از مشارکت می‌تواند بر مشارکت تأثیر بگذارد. والدین با حضور در مدرسه به هر دلیلی که باشد، انتظار دارند از طرف مسئولین مدرسه با آن‌ها رفتاری آمیخته با احترام صورت بگیرد. برخورد نامناسب مشارکت والدین در مدرسه را کم رنگ می‌کند. مشارکت در سازمان‌ها نیاز به آمادگی و آموزش قبلی دارد برخی مشارکت کردن را تمرین نکرده‌اند و در این زمینه آموزش ندیده‌اند. از طرف دیگر خود پنداره‌ای که برای مشارکت لازم است، در بعضی افراد در سطح پایینی است و در نهایت از مشارکت در مدرسه صرفه نظر می‌کنند. مشارکت نیاز به اوقات فراغت کافی دارد بسیاری از والدین اوقات فراغت ناچیزی دارند و یا اینکه اوقات فراغت آن‌ها در زمان مشخص نظام آموزشی نیست. به عبارتی آخر شب و یا آخر هفته اغلب اوقات آزادی دارند در حالی که نظام آموزشی در این زمان‌ها تعطیل است. مرخصی گرفتن و یا تعطیل کردن کار برای مردان هزینه‌های زیادی دارد، بنابراین نمی‌توانند در امور مدرسه مشارکت کنند. افرادی که دارای پایگاه اجتماعی-اقتصادی پایینی هستند، از نظر اوقات فراغت با محدودیت بیشتری مواجه هستند. آن‌ها سطح تحصیلات کمتری نسبت به بقیه دارند و در نهایت تحصیل فرزند و حضور در مدرسه اهمیت کمتری دارد. از طرفی فرزندان آن‌ها در مدرسه نیز تمایلی به حضور والدین در مدرسه ندارند. شرایط اقتصادی-اجتماعی خانواده موجب ایجاد نگرش‌های اجتماعی می‌شود و نگرش، تولید کننده مشارکت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی است. (رحیمی، ۱۳۷۷). برخی از اوقات برای حضور والدین در جلسه‌های مدرسه اطلاع‌رسانی مناسبی صورت نمی‌گیرد. والدین از جلسات اولیا و مربیان مطلع نمی‌شوند و این موضوع با جدیت دنبال نمی‌شود. عدم اطلاع‌رسانی مناسب و به موقع از عوامل عدم مشارکت والدین در مدرسه است.

روابط بین متغیرها را مطابق شکل شماره ۱ می‌توان ترسیم کرد و آن را مدلی برای تحلیل نظری مشارکت والدین در مدرسه قرار داد. مدل پیشنهادی متغیرهای مستقل، وابسته و روابط بین آنها را به روشنی نشان می‌دهد.

---

۱. فرضیه‌های اساسی در جدول شماره ۱ بیان شده است.

شکل (۱): مدل علی مشارکت والدین در مدرسه



### روش تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع تحقیق، روش تحقیق، روش پیمایشی<sup>۱</sup> است. واحد تحلیل در تحقیق حاضر خانواده است. این پژوهش از نوع توصیفی-تبیینی است که در مقطع زمانی خاص -در سال ۱۳۸۷- انجام پذیرفته است. با توجه به تعداد زیاد حجم نمونه این پژوهش از نوع پنهانگر نیز محسوب می‌شود. اطلاعات مورد نیاز با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته گردآوری شده است و سرانجام چون پژوهش حاضر در صدد تشخیص موانع مشارکت در مدارس است از نوع کاربردی نیز محسوب می‌شود.

### حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

تعداد دانش‌آموزان استان خراسان رضوی ۱۳۷۵۵۰۰ نفر و نسبت دانش‌آموز به معلم ۲۱ نفر می‌باشد. با توجه به تعداد دانش‌آموزان، محرومیت مناطق استان، واریانس آزمون مقدماتی و فرمول نمونه‌گیری تصادفی کوکران<sup>۲</sup> حجم نمونه ۶۰۲ نفر در نظر گرفته شد. از بین منطقه‌های استان با توجه به ضریب محرومیت مناطق مختلف، تعداد ۱۱ منطقه به طور تصادفی انتخاب شدند و در هر منطقه ۶ مدرسه و در هر مدرسه ۱۰ دانش‌آموز به طور سیستماتیک انتخاب شده و با والدین این افراد مصاحبه به عمل آمد. تعداد دانش‌آموزان هر مدرسه به نسبت مساوی از بین پایه‌های مختلف تحصیلی انتخاب شده‌اند. از میان شهر و روستاهای استان خراسان رضوی ۳ منطقه روستایی و ۹ منطقه شهری انتخاب شده است. تعداد حجم نمونه برای هر منطقه ۶۰ نفر در نظر گرفته شد. حجم کل نمونه از ۳۳ مدرسه دخترانه و ۳۳ مدرسه پسرانه بدست آمد. در مدارس پسرانه سعی شده است با پدر و در مدارس دخترانه با مادر پرسشنامه تکمیل شود.

$$=1/96T = 1375500 \quad N = 0/05 \quad d$$

#### 1. Survey Research

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left( \frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

2.

## تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها در جدول زیر ارائه شده است.

جدول شماره (۱) فرضیه‌ها و تعاریف نظری و عملی متغیرها

فرضیه	نام متغیر	نوع متغیر	تعریف نظری	تعریف عملیاتی	سطح سنجش
	مشارکت در مدرسه	وابسته	کنش اجتماعی داوطلبانه‌ی معطوف به منافع متقابل	مشارکت در مدرسه شامل ابعاد تعداد حضور در مدرسه (به دلیل مشکلات انضباطی، اطلاع از وضعیت درسی فرزند، ثبت نام، دریافت ریز نمرات، شرکت در انجمن اولیا و مربیان)، مسئولیت پذیرفتن (دفعات قبول مسولیت برای حل مشکلات مدرسه، عضو گروه در مدرسه، فوق برنامه)، مشارکت اقتصادی (میزان کمک مالی، هزینه پرداختی برای خرید وسایل مدرسه)، مشارکت آموزشی (دفعات پیشنهاد برای بهتر شدن تدریس یا برخورد به معلم-مدیر)، و مشارکت مهارتی (دفعات آموزش مهارت فنی-دانشی در مدرسه) است که با جمع مولفه‌های هر کدام از ابعاد ساخته شده و سپس سازه مشارکت ساخته شده است.	فاصله ای

فرضیه	نام متغیر	نوع متغیر	تعریف نظری	تعریف عملیاتی	سطح سنجش
بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و میزان مشارکت والدین در مدرسه رابطه مستقیم وجود دارد	پایگاه اجتماعی - اقتصادی	مستقل	مزایای اجتماعی کسب شده توسط فرد شامل دو بعد اقتصادی، اجتماعی است	این متغیر از جمع میانگین درآمد خانواده، بهرمندی از امکانات، و میانگین تحصیلات خانوادگی ساخته شده است.	فاصله ای
بین خود پنداره و میزان مشارکت والدین در مدرسه رابطه مستقیم وجود دارد.	خود پنداره	مستقل	تصویر فردی و اجتماعی که هر شخص از خود دارد و با آن خود را می شناسد	دارای دو بعد فردی (خود را چقدر برای مشارکت مناسب می داند) و بعد اجتماعی (چقدر دیگران او را برای مشارکت مناسب می داند) است. که هر کدام با استفاده از طیف لیکرت بدست آمده است.	فاصله ای
بین نگرش به مدرسه و میزان مشارکت والدین در مدرسه رابطه مستقیم وجود دارد.	نگرش به مشارکت در مدرسه	مستقل	مجموعه باورها و ارزش ها و قضاوت های افراد نسبت به شی، موضوع و یا اشخاص است	دارای دو بعد شناختی (چقدر مشارکت را مفید می دانند) و بعد عاطفی (چقدر مشارکت کردن را دوست دارد) است که با ۱۶ گویه در قالب طیف لیکرت سنجیده شده است.	فاصله ای
بین تمایل دانش آموز/مسئولین به مشارکت والدین در مدرسه و میزان مشارکت والدین در مدرسه رابطه مستقیم وجود دارد.	تمایل به مشارکت والدین در مدرسه	مستقل	پاداش یا تنبیهی که از سوی دانش آموز و مسئولین مدرسه برای مشارکت در نظر گرفته شده است	تعداد دفعاتی که دانش آموز و مسئولین مدرسه تمایل دارند که والدین در مدرسه مشارکت کنند.	فاصله ای



فرضیه	نام متغیر	نوع متغیر	تعریف نظری	تعریف عملیاتی	سطح سنجش
بین تجربه قبلی و میزان مشارکت والدین در مدرسه رابطه مستقیم وجود دارد.	تجربه قبلی	مستقل	شامل پاداش‌ها و یا ضررهای است که فرد در مشارکت قبلی خود با آن مواجه شده است.	شامل دو بعد نحوه برخورد مسئولین با والدین و حل مشکل دانش آموز است.	فاصله ای
بین آموزش دیدن والدین در زمینه مشارکت و میزان مشارکت والدین در مدرسه رابطه مستقیم وجود دارد	آموزش		آموزش دیدن برای مشارکت	جمع تعداد شرکت در جلساتی برای کسب مهارت در نحوه مشارکت	فاصله ای
بین اعتماد به فرزند/مسولین و میزان مشارکت والدین در مدرسه رابطه مستقیم وجود دارد	اعتماد	مستقل	اطمینان فرد به دیگری است و در واقع طرف مقابل به عنوان امین فرد معرفی می‌شود.	اعتماد در این پژوهش شامل دو بعد اعتماد به فرزند و اعتماد نسبت به مسئولین مدرسه می‌باشد که با ۱۳ گویه در قالب طیف لیکرت سنجیده شده است	فاصله ای
بین چگونگی اطلاع رسانی و میزان مشارکت والدین در مدرسه رابطه مستقیم وجود دارد.	اطلاع رسانی	مستقل	طریقه ی آگاهی رساندن یا مطلع کردن افراد	جمع طریقه ارزیابی اطلاع رسانی مدرسه برای مشارکت	ترتیبی
	متغیرهای زمینه‌ای	مستقل	-----	سن، جنس، محل زندگی، شغل	اسمی - ترتیبی

## روایی<sup>۱</sup> و اعتبار<sup>۲</sup>

روایی محتوایی ابزار سنجش (پرسشنامه) با استفاده از داوری خبرگان و متخصصان تأمین گردیده و برای حصول به روایی سازه‌ای از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شده است. سازه‌ی تمایل به مشارکت والدین از دو بعد تمایل به مشارکت والدین از طرف دانش آموز و مدرسه ( $kmo=0/533, sig=/000$ )؛ خود پنداره از دو بعد خود پنداره فردی و جمعی ( $kmo=0/783, sig=/000$ )؛ سازه اعتماد از دو بعد اعتماد به فرزند و مدرسه ( $kmo=0/867, sig=/000$ ) تشکیل شده است. با طراحی دقیق سئوالات و استفاده از پرسشگران آموزش دیده و یادآوری نکات لازم به آنان و استفاده از کدنامه دقیق و کدگذار واحد، اعتبار سئوالات و نتایج تحقیق افزایش یافته است و سئوالاتی که در قالب طیف سنجیده شدند از آزمون کرانباخ برای تعیین اعتبار استفاده شده است. ضریب آلفای کرانباخ برای متغیر مشارکت بعد آموزشی  $0/831$ ، مشارکت بعد مهارتی  $0/660$ ، بهره مندی از امکانات  $0/813$ ، نگرش بعد شناختی  $0/763$ ، نگرش بعد عاطفی  $0/610$ ، تمایل دانش آموز به مشارکت والدین  $0/445$ ، تمایل مسولین به مشارکت والدین  $0/465$ ، بدست آمد.

## یافته‌های پژوهش

$50/2\%$  از پاسخگویان را زنان و  $49/8\%$  نفر از پاسخگویان را مردان تشکیل می‌دهند. بیشترین مراجعان به مدرسه مادران هستند.  $44/4\%$  پاسخگویان در فاصله سنی بین 40 تا 50 سال قرار دارند.  $73/4\%$  از والدین عضو طبقه متوسط یا پایین هستند. به طور کلی مشارکت والدین در مدارس پایین است در مجموع حدود  $86/6\%$  از پاسخگویان مشارکت کم یا خیلی کم در مدرسه دارند. در بین ابعاد مشارکت در مدرسه، کمترین میزان مشارکت در بعد پذیرفتن مسئولیت است به گونه ای که  $71/9\%$  هیچ مسئولیتی در مدارس نپذیرفته‌اند و تعداد  $14/0\%$  در حد پذیرفتن یک مسئولیت با مدرسه همکاری می‌کنند.  $62/6\%$  پاسخگویان اصلاً مشارکت

1. Validity
2. reliability

آموزشی در مدرسه ندارند. ۶۲/۳٪ پاسخگویان اصلاً مشارکت مهارتی در مدرسه ندارند. ۳۹/۳٪ پاسخگویان در یک سال تحصیلی ۵ یا کمتر از ۵ بار در مدرسه حضور پیدا می‌کنند. میانگین حضور والدین در مدرسه ۵/۷ بار در طول سال تحصیلی است و ۷۰٪ پاسخگویان ده هزار تومان یا کمتر به مدرسه کمک مالی کرده‌اند.

۶۸/۱٪ پاسخگویان نسبت به مشارکت در مدرسه نگرش مثبت دارند؛ و ۸۳/۲٪ پاسخگویان میزان تمایل به مشارکت والدین در مدرسه از طرف دانش‌آموز و مسئولین را در حد خیلی زیاد ارزیابی می‌کنند. ۴۷/۵٪ پاسخگویان میزان اطلاع رسانی به والدین نسبت به مشارکت در مدرسه را مناسب می‌دانند؛ و در نهایت ۶۲/۵٪ پاسخگویان تجربه مشارکت در مدرسه را خیلی مناسب می‌دانند. ۲۳/۶٪ پاسخگویان میزان اوقات فراغتشان را بین دو تا چهار ساعت در روز اعلام کرده‌اند. ۹۱/۵٪ پاسخگویان میزان خود پنداره والدین نسبت به مشارکت در مدرسه را خیلی مثبت ارزیابی کرده‌اند. ۵۱/۵٪ پاسخگویان میزان اعتماد والدین به مدرسه و فرزند را در حد زیاد می‌دانند. بیشترین حضور والدین به خاطر مسائل انضباطی است.

تحلیل واریانس و میانگین بین متغیرهای زمینه‌ای و مشارکت نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری بین شغل و میزان مشارکت والدین وجود دارد به گونه‌ای که والدین کارمند بیشتر از سایر والدین در مدارس مشارکت می‌کنند ( $\text{sig} = 0/000, X^2 = 459/37$ ). تفاوت معنی‌داری بین منطقه محل سکونت و میزان مشارکت والدین وجود دارد به گونه‌ای که میزان مشارکت در مناطق محروم بیشتر از سایر مناطق است ( $\text{sig} = 0/000, X^2 = 38/120$ ). میزان مشارکت در مدارس دخترانه از مدارس پسرانه بیشتر است ولی این تفاوت از نظر آماری معنی‌دار نیست. میزان مشارکت در مقطع ابتدایی و مخصوصاً سال چهارم و پنجم بیشتر از سایر پایه‌ها است ولی این تفاوت از نظر آماری معنی‌دار نیست. با توجه به تأثیر همزمان متغیرها بر متغیر وابسته، مشارکت در مدرسه به عنوان متغیر وابسته و سایر متغیرها به عنوان متغیر مستقل در تحلیل رگرسیونی وارد گردید نتایج عمده و مهم با توجه به آماره‌های رگرسیونی و ضرایب تأثیر مستقیم و غیرمستقیم در جداول ۲ و ۳ ارائه شده است.

یافته‌های تحلیل رگرسیون: (روابط چند متغیری متغیرهای مستقل با متغیر وابسته)

نتایج آزمون رگرسیون به روش گام به گام نشان داد که متغیرهای مستقل این پژوهش به مقدار ۳۶/۶ با متغیر وابسته همبستگی داشته و یا به عبارتی می‌توانند ۱۳/۴ درصد از تغییرات میزان مشارکت والدین را توضیح دهند. متغیرهای مستقل مؤثر بر میزان مشارکت والدین در جدول ذیل بیان می‌شود.

جدول (۲) نتایج آزمون رگرسیون در ارتباط با مهم‌ترین متغیرهای مستقل مؤثر بر میزان مشارکت والدین

متغیرها	ضریب متغیر	خطای استاندارد	بتا	آماره‌های t	سطح معنی داری
تمایل دانش آموز به مشارکت والدین	-۰,۲۵۳	۰/۷۳	-۰,۲۰۸	-۳,۴۷۹	۰,۰۱
خود پنداره جمعی (ارزیابی دیگران از فرد)	۰/۹۳	۰/۳۰	۰/۱۸۴	۳,۱۲۹	۰,۰۰۲
تجربه قبلی	- ۰,۰۹۸	۰/۳۷	-۰,۱۵۹	-۲,۶۵۵	۰,۰۰۸
اعتماد به فرزند	۰/۱۰۷	۰/۴۷	۰/۱۳۷	۲,۲۹	۰,۰۲۳
پایگاه اقتصادی	۲,۶۷۸	۰	۱/۲۷	۲,۲۲۵	۰,۰۲۷

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، پایگاه اقتصادی، خود پنداره جمعی و اعتماد به فرزند باعث افزایش و تمایل دانش آموز به مشارکت والدین و تجربه قبلی باعث کاهش میزان مشارکت والدین در مدرسه می‌شود

هر چه پایگاه اقتصادی والدین افزایش یافته است میزان مشارکت والدین نیز بالاتر رفته است. اولین متغیری که بیشترین تأثیر معکوس را بر میزان مشارکت والدین در مدرسه دارد، تمایل دانش آموز به مشارکت والدین است. وقتی دانش آموز دوست ندارد والدینش در مدرسه مشارکت کنند و یا اینکه آن‌ها را برای حضور در مدرسه مطلع نمی‌کند والدین بیشتر به مدرسه می‌روند. خود پنداره جمعی والدین در میزان مشارکت آن‌ها در مدرسه مؤثر است. هر چه والدین تصویر اجتماعی مناسب‌تری از خود داشته باشند و یا به عبارتی بر این اعتقادند که دیگران آن‌ها را افراد مشارکت‌جو میدانند در مدرسه بیشتر مشارکت

می‌کنند. خود پنداره جمعی نیز از خود پنداره فردی تأثیر می‌پذیرد ( $Beta = 0.171$ ). طبق نظریه مبادله وقتی افراد از رفتارهای قبلی خود پاداش بگیرند آن رفتار را ادامه می‌دهند. اما در این پژوهش مشخص کردید که والدین هر چه تجربه‌ی قبلی مثبت‌تری داشته باشند مشارکت آن‌ها در مدرسه کاهش خواهد یافت. هنگامی که برخورد مسئولین مدرسه را مناسب ارزیابی کنند و یا اینکه متوجه شوند مشکلات فرزند آن‌ها به بهترین حالت ممکن بر طرف می‌شود کمتر در فعالیتهای مدرسه مشارکت می‌کنند. اعتماد به فرزند بر میزان مشارکت تأثیر مستقیم دارد. هر چه اعتماد به فرزند بیشتر می‌شود مشارکت در مدرسه نیز افزایش می‌یابد. اعتماد به فرزند از پایگاه اقتصادی ( $Beta = 0.134$ )؛ خود پنداره فردی ( $Beta = 0.168$ ) تأثیر می‌پذیرد. به نظر می‌رسد والدین در مواقعی که احساس ناخوشایند یا مبهمی از وضعیت فرزند در مدرسه دارند و یا هنگامی که به فرزند اعتماد دارند به مدرسه مراجعه می‌کنند. در سایر موارد مشارکت در مدرسه را ضروری نمی‌دانند. با توجه به نتایج رگرسیون به روش گام به گام می‌توان معادله‌ی زیر را برای متغیر میزان مشارکت والدین در مدرسه نوشت.

$$\text{میزان مشارکت والدین در مدرسه} = 0.107 + (\text{تمایل دانش آموز به مشارکت والدین}) - 0.253$$

مشارکت والدین در مدرسه

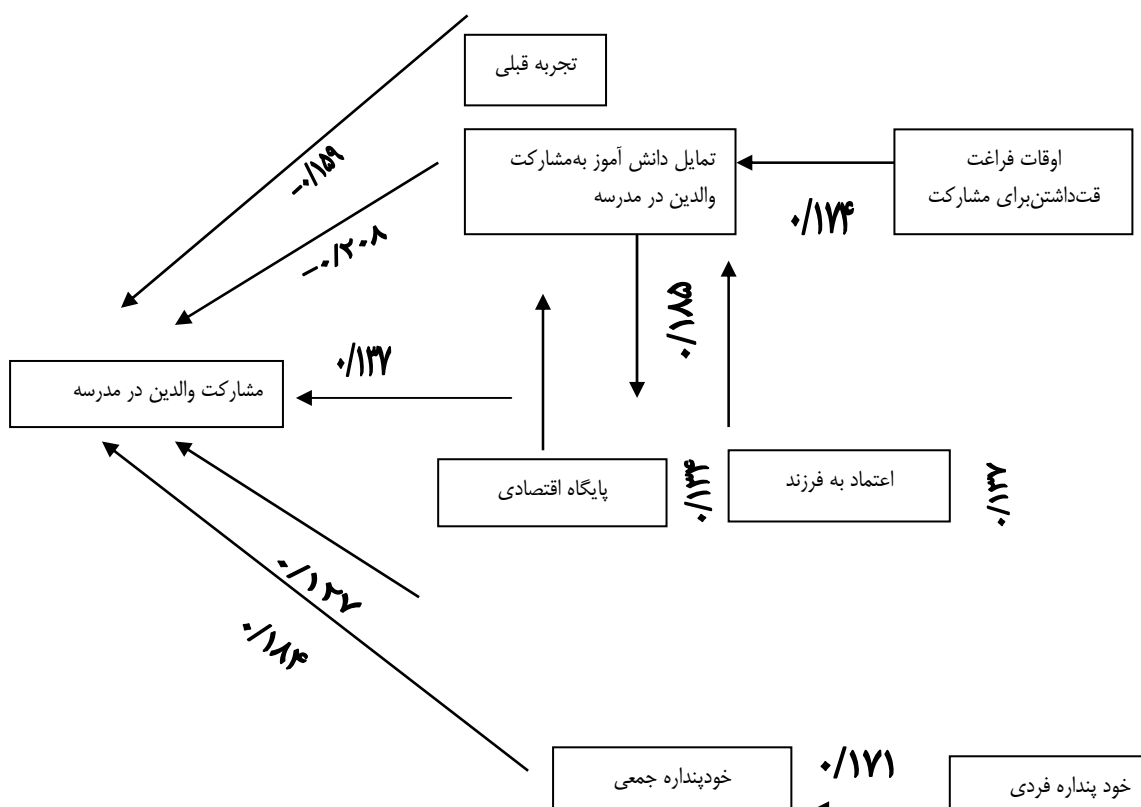
$$+ 0.358 + (\text{تجربه قبلی فرد}) + 0.098 + (\text{پایگاه اقتصادی}) + 2.678 + (\text{خود پنداره جمعی})$$

$$+ 0.093$$

نمودار تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرها را روی متغیر وابسته را می‌توان در مدل تحلیل مسیر مشاهده کرد. توزیع باقیمانده‌های رگرسیون به صورت نرمال بوده بنابراین می‌توان از تحلیل رگرسیون برای تبیین میزان مشارکت والدین در مدرسه استفاده کرد.

۱. برای بدست آوردن ضرایب بتا از تحلیل رگرسیون استفاده شده است.

شکل (۲) دیاگرام تحلیل مسیر میزان مشارکت والدین در مدارس



جدول (۳) اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای تعیین کننده بر میزان مشارکت والدین در

مدرسه

متغیر	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کل
اوقات فراغت	۰	$-.۰۳۶ = -.۲۰۸ * .۱۷۴$	$-.۰۳۶$
خود پنداره فردی	۰	$.۰۳۱ = .۱۷۱ * .۱۸۴$	$.۰۳۶$
تجربه قبلی	$-.۱۵۹$	۰	$-.۱۵۹$
تمایل دانش آموز به مشارکت والدین در مدرسه	$-.۲۰۸$	$.۰۲۵ = .۱۳۷ * .۱۸۵$	$+.۰۲۵ - .۲۰۸ = -.۱۸۳$
اعتماد به فرزند	$.۱۳۷$	۰	$.۱۳۷$
پایگاه اقتصادی	$.۱۲۷$	$.۰۱۸ = .۱۳۷ * .۱۳۴$	$.۱۳۷ + .۰۱۸ = .۱۵۵$
خود پنداره جمعی	$.۱۸۴$	$.۰۱۸ = .۱۳۷ * .۱۳۷$	$.۱۸۴ + .۰۱۸ = .۱۵۵$

### تفسیر تحلیل مسیر

بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت والدین نشان می‌دهد که هر چه تجربه قبلی والدین از مدرسه و اولیای آن مثبت‌تر باشد میزان مشارکت آن‌ها کاهش می‌یابد. این وضعیت در مشارکت آموزشی نیز مشهود است. هنگامی که مسئولین مدرسه از دانش‌آموزان می‌خواهند که والدین آن‌ها به هر دلیلی به مدرسه بیایند و دانش‌آموزان کمتر والدین خود را از این امر مطلع می‌کنند یا به عبارتی دوست ندارند والدین آن‌ها در مدرسه حضور یابند یا مشارکت کنند، والدین بیشتر در مدارس حضور پیدا می‌کنند. این عامل بر مشارکت آموزشی و مهارتی نیز همین تأثیر را دارد. وقتی دانش‌آموزی درخواست‌های مسئولان مدرسه مبتنی بر حضور والدینش در مدرسه را پنهان می‌کند، والدین بیشتر مشارکت دارند و برعکس وقتی فرزند درخواست‌های مسئولان مدرسه را به راحتی بیان می‌کند، والدین کمتر حاضرند در مدارس مشارکت داشته باشند. نکته پنهان در این رابطه وضعیت آموزشی و تربیتی دانش‌آموز است که اگر از نظر والدین نگران کننده باشد در مدرسه حضور می‌یابد. کمک مالی یکی از ابعاد مشارکت در مدارس است که در سالیان اخیر از مباحث پر مسأله نظام آموزش و پرورش

بوده است نتایج نشان می‌دهد که کمک مالی به مدارس خیلی ناچیز است (حدود ۷۰ درصد والدین ۱۰۰۰۰۰۰ ریال).

نگرش شناختی والدین به مشارکت در مدرسه تأثیر معکوس بر تجربه قبلی دارد. یا به عبارتی هنگامی که والدین نگرش منفی‌تری نسبت به مشارکت دارند، بر این باورند که مشارکت فایده‌ای ندارد از سوی دیگر هنگامی که به مدرسه مراجعه می‌کنند تجربه‌ی مثبت‌تری بدست می‌آورند.

اعتماد به فرزند از جهتی میزان مشارکت والدین در مدرسه را افزایش می‌دهد هر چه فرزند از نظر والدین فردی معتمدتر تلقی می‌شود والدین بیشتر حاضرند در مدرسه مشارکت کنند.

خود پنداره جمعی بر قبول مسئولیت در مدرسه توسط والدین اثر مثبت دارد؛ و همچنین بر مشارکت آموزشی و مهارتی همین اثر را دارد. تصویری که افراد در مورد مشارکت از خود دارد هم بر اعتماد آن‌ها به فرزندشان و هم بر میزان مشارکت آن‌ها تأثیر گذار است. هر چه افراد اعتقاد داشته باشند بیشتر تأثیر گذار هستند و می‌تواند کاری انجام دهند عملاً مشارکت بیشتری نیز از خود نشان می‌دهند. افرادی که در سازمانی آموزش دیده باشند یا در مورد مشارکت در هر جلسه‌ای اطلاعاتی کسب کرده باشند خود را بیشتر متمر ثمر دانسته و تمایل به مشارکت نشان می‌دهند؛ و در نهایت به مشارکت در مدارس می‌پردازند.

از میان متغیرهای مؤثر بر مشارکت والدین در مدرسه متغیرهای اوقات فراغت (وقت داشتن والدین برای مشارکت)، خودپنداره فردی ولی دانش آموز اثر غیر مستقیم، اعتماد به فرزند و تجربه قبلی اثر مستقیم، تمایل دانش آموز به مشارکت والدین در مدرسه، پایگاه اقتصادی و خود پنداره جمعی اثر مستقیم و غیر مستقیم بر متغیر وابسته داشته‌اند.

### بحث و نتیجه‌گیری

به طور کلی میزان مشارکت والدین در مدرسه کم است. از میان متغیرهای مورد مطالعه اعتماد به فرزند اثر مستقیم بر میزان مشارکت والدین در مدرسه دارد که به این عنصر کلیدی در



پژوهش‌های کوثری (۱۳۷۵)؛ دهقان و غفاری (۱۳۸۴)؛ اصغرپور (۱۳۸۷)؛ رضایی (۱۳۸۱) نیز اشاره شده است و بیشترین اثر معکوس را تجربه قبلی والدین از مدرسه دارد. در اکثر موارد والدین با رضایت از مدرسه خارج می‌شوند ۸۰٪ درصد والدین وقتی به مدرسه مراجعه می‌کنند اصلاً ناراضی از مدرسه خارج نمی‌شوند. والدین هنگامی که تلاش مسئولین مدرسه را مناسب ارزیابی می‌کنند به مدرسه بیشتر اعتماد می‌کنند این وضعیت برای والدین آسودگی خاطر به همراه می‌آورد و دیگر لازم نمی‌بیند که در مسائل مدرسه دخالت کنند و یا اینکه با توجه به وضعیت موجود تلاش مسئولین مدرسه را کافی دانسته و اعتقاد دارند که مشارکت آن‌ها نمی‌تواند در مدرسه مؤثر باشد بنابراین مشارکت والدین در مدرسه به عنوان یک فرصت و عامل جهش مطرح نیست بلکه وقتی والدین احساس می‌کنند که خطری وجود دارد اقدام به مشارکت می‌کنند

مشارکت نیاز به تشویق و رابطه صمیمی میان مسئولان مدرسه و والدین دارد تا بتواند پا بگیرد. این نتیجه نیز با نتایج مطالعه دسلندس (۲۰۰۱) مطابقت دارد که نشان داده وقتی والدین از طرف مدرسه به مشارکت تشویق شوند بیشتر در مدرسه مشارکت می‌کنند. در پژوهش (کلدی، ۱۳۸۱) نیز اهمیت پاداش برای مشارکت نیز مشاهده شده است. والدین عضو طبقات پایین جامعه کمتر در مدرسه مشارکت می‌کنند (کریمی، ۱۳۸۲)؛ کلدی، ۱۳۸۱؛ اسمریکار و کوهن و وگل، ۲۰۰۱؛ چین و نیومن، ۲۰۰۲؛ میستری و همکاران، ۲۰۰۲). در این تحقیق نیز تأثیر پایگاه اقتصادی بر روی مشارکت تأیید شده، به گونه ای که والدین با پایگاه اقتصادی بالاتر بیشتر در مدرسه مشارکت می‌کنند.

یکی از موارد دیگر که مشارکت والدین در مدرسه را افزایش می‌دهد تمایل دانش آموز به مشارکت والدین در مدرسه است در این مورد نیز نتیجه حاصل از تحقیق به نتیجه تحقیق مندل (۲۰۱۱) که دریافت ادراک دانش آموزان لهستان از والدین یک «مزاحم» است بسیار نزدیک است.

موانع اصلی مشارکت در مدارس به کمبود دانش، اهمیت مشارکت، مهارت و تجربه والدین از مشارکت در مدرسه مربوط می‌شوند (نور و وی بنگ نثو، ۲۰۰۱؛ دنسن، ۲۰۰۱)؛

گونزالز، ۲۰۰۱) والدین بر این اعتقادند که معلمان کارشناسان زبده آموزش هستند و نیازی به همکاری آنها نیست، یعنی نهاد مدرسه وظیفه آموزش به دانش آموزان را به عهده دارد و آنها فقط وظیفه حمایت از بچه‌ها در داخل خانه را دارند در تحقیق لیچ<sup>۱</sup> و تانگری (۲۰۰۱) نیز مشخص بود بعضی از والدین اعتقاد دارند که وظایف آنها فقط حمایت از بچه‌ها در خانه است و مدرسه وظیفه آموزش را به عهده دارد. اگر والدین از خود پنداره ضعیفی برخوردار باشند یعنی به توانایی خود در مشارکت و همکاری با مدرسه شک داشته باشند و آن را بیهوده تلقی کنند، احتمال مشارکت آنها کمتر می‌شود، از طرفی اگر معلمان و مدیر مدرسه تجربه و مهارت و همچنین دانش لازم برای ترغیب و تقویت همکاری والدین در مدرسه را نداشته باشند احتمال مشارکت والدین در فعالیتهای مدرسه را کاهش می‌دهند.

مشارکت در مدرسه امتیازی برای والدین تلقی نمی‌شود. همین تفکر در مدرسه نیز وجود دارد از دانش‌آموزی که وظایفش را انجام می‌دهد و فردی کوشا است برای تشویق او خواسته نمی‌شود که والدینش را به مدرسه بیاورد تا از او در مقابل والدینش تشکر کنند. وقتی رابطه تمایل دانش آموز به مشارکت والدینش در مدرسه و مشارکت آنها با متغیر اعتماد به فرزند کنترل می‌شود شدت همبستگی به صورت معکوس افزایش می‌یابد. از نظر والدین وقتی وضعیت دانش آموز نگران کننده نیست مشارکت والدین لازم نیست. برخی از والدین به عنوان امتیاز فرزند خود بیان می‌کنند که ۱۰ سال است که فرزندشان به مدرسه می‌رود اما آنها را یک بار به مدرسه فرا نخوانده‌اند. هنگامی که والدین در مورد مشارکت آموزش می‌بینند و از اوضاع مدرسه اطلاع می‌یابند حتی بیشتر حاضرند به مدرسه کمک مالی بکنند. برخلاف تصویری که وجود دارد فقط ۱۵٪ والدین اعتقاد دارند که مدارس از آنها فقط انتظار کمک مالی دارند و حدود ۵۷٪ با این اعتقاد مخالف هستند.

---

1. Leitch

در شرایط کنونی یکی از راهکارهای افزایش مشارکت خانواده‌ها در مدارس، فعالیت مؤثر انجمن اولیاء و مربیان در فعالیتهای آموزش و پرورش می‌باشد اما این امر نیز با توجه به اینکه فعالیت انجمن به برنامه‌های طراحی شده از بالا، آیین‌نامه‌های فاقد ضمانت اجرا یا اجرای صوری برنامه‌ها و بخشنامه‌ها و ... محدود شده است، در حد کمک مالی به مدرسه تقلیل یافته و در عمل تعداد بسیار زیادی از اولیاء از فرایند مشارکت فعال در امور مدرسه کنار گذاشته شده‌اند. برای افزایش مشارکت والدین در مدرسه لازم است دانش، مهارت و تجربه والدین و معلمان نسبت به مشارکت و اثرات آن در پیشرفت دانش‌آموزان افزایش یابد دسترسی به این هدف با برگزاری جلسات آموزشی برای تبادل نظرات و یکی کردن اهداف عام آموزشی و پرورشی امکان‌پذیر است.

#### منابع

- آتش بهار، مهین (۱۳۷۹)، بررسی میزان مشارکت دانشجویان در واحدهای فرهنگی جهاد دانشگاهی دانشگاه فردوسی مشهد و شناسایی عوامل مؤثر بر آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- اصغر پور، احمدرضا، (۱۳۸۷)، بررسی راهکارهای افزایش مشارکت اجتماعی شهروندان در شهر مشهد. مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد (طرح پژوهشی).
- آقال، اوین، و همکاران (۱۳۷۹) فقر و مشارکت در جامعه مدنی، ایرج یاد، صدا و سیمای جمهوری اسلامی تهران.
- آهنگران، عصمت، (۱۳۷۶)، بررسی تأثیر آموزش مشارکت اولیا بر رشد اجتماعی و پیشرفت تحصیلی فرزندان، شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش تهران
- اوکلی، مارسدن، (۱۳۷۰)، رهیافت‌های مشارکت در توسعه روستایی، منصور محمد نژاد، وزارت جهاد سازندگی.
- بهبودی، هایده (۱۳۸۷)، اهمیت مشارکت والدین در فعالیتهای مدرسه، تعلیم و تربیت استثنایی، شماره ۸۷، صص ۶۵-۷۰

- بوهنر، جرد، (۱۳۸۲)، نگرش و تغییر آن، ترجمه منیژه صادقی، تهران، ساوالان.
- بیرو، آلن، (۱۶۷۰)، فرهنگ علوم اجتماعی، باقر ساروخانی، تهران، کیهان.
- پانتام، رابرت (۱۳۸۰) دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه: محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارات روزنامه سلام.
- توسلی، غلام عباس، (۱۳۸۲)، مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک، دانشگاه تهران، تهران.
- جهانیان، رمضان (۱۳۸۰)، بررسی راههای مشارکت اولیا دانش آموزان در امور آموزشگاهها از دید گاه مدیران مدارس شهر تهران در سال تحصیلی ۸۰ - ۷۹، طرح پژوهشی.
- جهانیان، رمضان، (۱۳۸۹)، "بررسی راههای ایجاد و تقویت مشارکت مردم در آموزش و پرورش"، فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی، سال ۵ شماره ۳: ۵۸-۴۵.
- حقیقی، علی محمد. (۱۳۷۸)، بررسی تأثیر شکافهای اجتماعی بر مشارکت سیاسی با تحلیل موردی هفتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی تهران
- داودی پور، عبدالله، (۱۳۸۶)، بررسی زمینه‌های اجرای طرح مدیریت مدرسه محور بر اساس رسالت مشارکت و تعهد سازمانی مدیران و معلمان مدارس راهنمایی شهر مشهد، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- دهقان، علیرضا؛ و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۴). "تبیین مشارکت اجتماعی - فرهنگی دانشجویان دانشگاههای علوم پزشکی شهر تهران"، مجله جامعه‌شناسی ایران دوره ۶، شماره ۱: ۶۷-۹۸.
- رتیزر، جورج، (۱۳۷۴)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، محسن ثلاثی، انتشارات علمی، تهران.
- رحیمی، عزیز اله، (۱۳۷۷) مسئولیت‌پذیری و مشارکت جویی، صالح، مشهد.

- سپهری، حسین، (۱۳۸۴) بررسی راههای جلب مشارکت مردمی در امور آموزش و پرورش (شهرستان‌های تهران، همدان، کرمانشاه، خرم‌آباد)، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی
- سلیمی نژاد، مهدی؛ دانایی سیج، مجید؛ نودهی، فرامرز. (۱۳۹۰) بررسی مجتمع‌های آموزشی و پرورشی از منظر تهدیدها و فرصتها و راهکارها با بکارگیری روش تحلیلی SWOT: (مطالعه موردی: استان خراسان رضوی)، همایش علمی بررسی نقش مجتمع‌های آموزشی و پرورشی شهری در تحول بنیادین آموزش و پرورش، تهران، اسفند ۱۳۹۰
- شریفی پور، ابراهیم؛ بحرینی، محمد؛ سهیلی، رسول؛ شرفی، علیرضا؛ طهماسبی، فرهاد (۲۰۰۹)، عوامل مؤثر بر مشارکت مردم با شرکت توزیع برق استان لرستان، بیست و چهارمین کنفرانس بین المللی برق.
- عباسی، اسماعیل (۱۳۸۵)، راههای افزایش مشارکت مردمی در آموزش و پرورش اصفهان از دیدگاه مدیران و اعضای انجمن اولیا و مربیان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان
- علوی تبار، علی‌رضا، (۱۳۷۹)، بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارب جهانی و ایران)، تهران: انتشارات سازمان شهرداریهای کشور، جلد ۱.
- قاسمی پویا، اقبال (۱۳۸۰)، مشارکت مردمی در آموزش و پرورش، تهران، انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت
- کاظمی، میترا (۱۳۸۱)، بررسی و شناسایی مهارت‌های انسانی مدیران و تعیین رابطه آن با جلب مشارکت اولیا دانش آموزان در امور مدارس راهنمایی و متوسطه شهرستان بابلسر، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا
- کوثری، مسعود (۱۳۷۵) بررسی تأثیر انسجام اجتماعی بر میزان مشارکت روستائیان استان خراسان در فعالیت‌های عمرانی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس تهران.

- کوزر، لوئیس، و همکاران (۱۳۷۸)، نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی، فرهنگ ارشاد، نی، تهران.
- کاظمی کردآسیابی، میترا (۱۳۸۳)، "راههای جلب مشارکت والدین در امور مدرسه، پیوند،" شماره ۲۹۷ و ۲۹۸ و ۲۹۹: ۵۱-۵۷.
- کرمی، میرحمزه (۱۳۸۲)، بررسی میزان رغبت اولیا دانش‌آموزان استان ایلام نسبت به مشارکت در امر آموزش و پرورش و رابطه آن با برخی عوامل درون‌آموزشگاهی و برون‌آموزشگاهی (طرح پژوهشی)
- کلمن، جیمز. (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی. (م. صبوری، مترجم) تهران: نشر نی.
- کوزر، لوئیس، (۱۳۷۲)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، محس ثلاثی، انتشارات علمی، تهران.
- لیتل، دانیال، (۱۳۷۳)، تبیین در علوم اجتماعی، عبد‌الکریم سروش، موسسه فرهنگی صراط، تهران.
- متین، نعمت‌الله. (۱۳۸۲)، بررسی چگونگی راههای حصول مشارکتهای مردمی در مدرسه‌سازی، <http://www.nosazimadares.ir/tahghighat/DocLib>
- موریش، ایور، (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت، علامعلی سرمد، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
  
- Chin, M. M., & Newman, K. S. (۲۰۰۲). "High stakes: Time, poverty, testing, and the children of the working poor." New York: Foundation for Child Development. 70-74.
- Denessen, E.; Driessen, G.; Smit. F.; Slegers, P. (2001). *Culture differences in education: implications for parental involvement and educational policies, ERNAPE Conference 2001*
- [http://www.ernape.net/articles/2001/session1/DENESS\\_1.PDF](http://www.ernape.net/articles/2001/session1/DENESS_1.PDF)
- Deslandes. R., (2011). "A vision of home-school partnership: three complementary conceptual frameworks," ERNAPE Conference 2001 <http://www.familyschool.org.au/pdf/visionhomeschool.pdf>

- González , R. M., (2011). Family education and implications for partnership with schools in Spain, ERNAPE Conference 2001  
<http://www.ernape.net/articles/2001/session1/Martinez%20Gonzalez,%20R.A.pdf>
- Kahne, J., Chi, B., & Middaugh, E., (2006), “Building social capital for civic and political engagement: the potential of high –school civics courses,” *Canadian journal of education*, 29(2) p: 387-409.
- Leitch, M. and Tangri, S. (1988). “Barriers to Home-School Collaboration.” *Educational Horizon*. 66(2): 70-74.
- Macgregor, R. , ( 2006) , *Engaging With Parents, Families and Community: The Why and How of Effective and Sustainable Partnerships*, A background information and discussson paper
- Mendel, M., (2001). Increasing social capital: teachers about school-family-community partnerships: Results of a study on the orientations of American and Polish teachers, *ERNAPE Conference 2001*,  
<http://www.its.kun.nl/web/publikaties/pdf/files/rapporten/aBridgetothefuture.pdf>
- Michigan Department of Education (MDE), (1997), *Parent Engagement Information and Tools Moving Beyond Parent Involvement to Parent Engagement*.  
[http://www.michigan.gov/documents/Parent\\_Involvement\\_Part\\_1\\_12-16\\_04\\_111426\\_7.pdf,1390/10/7](http://www.michigan.gov/documents/Parent_Involvement_Part_1_12-16_04_111426_7.pdf,1390/10/7)
- Mistry, R. S., Vandewater, E. A., Huston, A. C., & McLoyd, V. C. (2002). “Economic ethnically diverse low-income sample.” *Child Development*, 73(3): 935–951.
- National Center for Family and Community Connections with Schools (2003), *Southwest Educational Development Laboratory of family and school*.  
<http://www.sedl.org /connections/ resources/ diversity-synthesis.pdf>
- Smrekar, C., & Cohen-Vogel, L. (2001). “The voices of parents: Rethinking the intersection well-being and children’s social adjustment: The role of family process.” *Peabody Journal of Education*, 76(2): 75-100.

